

امام خمینی (س) و سیاست خارجی

اصلاح سفارتخانه‌ها

دیپلماسی یا ارزشهای انقلاب، کدامیک؟

سخن بدینجا رسید که دیپلماتهای جمهوری اسلامی ایران و نمایندگان انقلاب اسلامی در کشورهای خارج باید مشی و مرام و سیاستی جدای از دیگر دیپلماتهای کشورهای دست‌نشانده و وابسته داشته باشند و این پرسش در پایان قسمت سوم این مقال مطرح گردید که آن اصل و اساسی که باید مبنای عقیده و عمل دست‌اندرکاران سیاست خارجی کشور به منظور حرکت در چارچوب آرمانهای امام خمینی (س) و تحقق اسلام ناب محمدی (ص) در عرصه سیاست خارجی، فراگیر کدام است: دیپلماسی موجود جهان، یا پایبندی به اصول و ارزشهای مکتبی و انقلابی مان؟ پاسخ روشن است، در واقع راه سومی وجود ندارد تعارض جدی و مبنایی دیپلماسی موجود جهان با اصول و ارزشهای مکاتب توحیدی بخصوص اسلام ناب محمدی (ص) بسیار روشن است و اینکه بتوان راهی را یافت که هم اصول و ارزشهای اسلام ناب و حفظ امام حفظ شود و هم به اصول دیپلماسی حاکم بر جهان برخورد نکند، توهمی بیش نیست و آنانکه تصور می‌کنند یا ابزار دیپلماسی موجود و حاکم در جهان می‌توان به تبلیغ و ترویج اصول و ارزشهای انقلاب و نظام پرداخت، در حقیقت مجذانه در صدد کوبیدن آب در هاون هستند و انتظار

نتایج پرباری نیز از این عمل خود دارند؟! امام (س) در یکی از آخرین پیامهایشان، حرف آخر را در زمینه پاسخ به این سؤال (دیپلماسی یا ارزشها و اصول مکتب اسلام ناب) با بیان یک مثال اینگونه فرموده‌اند:

«روحانیون و مردم عزیز حزب الله و خانواده‌های محترم شهدا، حوستان را جمع کنند که با این تحلیلهای و افکار نادوست، خون عزیزانشان بایمان نشود. ترس من این است که تحلیل گران امروز، ده سال دیگر بر کرسی قضاوت بنشینند و بگویند که باید دید فتوای اسلامی و حکم اعدام سلمان رشدی مطابق اصول و قوانین دیپلماسی بوده است یا خیر؟! و نتیجه‌گیری کنند که چون بیان حکم خدا، آثار و تبعاتی داشته است و بازار مشترک و کشورهای غربی علیه ما موضع گرفته‌اند پس باید خاصی نکنیم و از کنار اهانت کنندگان به مقام مقدس پیامبر اسلام و مکتب بگذریم!

خلاصه کلام اینکه ما باید بدون توجه به غرب حیلہ‌گر و شرق متجاوز و فارع از دیپلماسی حاکم بر جهان در صدد تحقق فقه عملی اسلام برآئیم».

نکته‌ای که لازم است در اینجا بدان اشاره شود اینکه از بعضی‌ها شنیده شده که می‌گویند امام خمینی (س) مردی بزرگ و رهبری مقتدر در جهان اسلام بود. سخنان و پیامهای ایشان نیز جالب توجه و عمیق می‌باشند لیکن امام مطالب مختلف را در حد

کلیات بیان کرده‌اند و به اصطلاح امروزیها برای کاربردی نمودن آن سرفصل‌های کلی، نیاز به کار کارشناسی می‌باشد. این سخن با چنین نتیجه‌ی بالتسبیه منطقی نیز پایان می‌یابد که: پس تا زمانی که بر روی بنیامنها و رهنمودهای امام کار دقیق کارشناسی نشده و پیرامون هر سرفصل کلی‌ای که امام بیان فرموده‌اند دستورالعمل مشخصی جهت چگونگی اجرا صادر نگردیده، عمل به این گفتار شیوای حضرت امام کان لم یکن تلقی می‌شود!

درواقع باید یاران واقعی امام به این دسته از صاحبان و مروجین چنین تفکری پاسخ دهند که در کجا و در چه مقولاتی امام با ذکر کلیاتی درباره آن از کنار قضیه گذشته‌اند؟ در مسائل اعتقادی؟ در مسائل سیاسی؟ در مسائل اقتصادی؟ در مسائل نظامی؟ در... آنچه که از مرام و منش امام خمینی (س) در طول سالهای قبل از انقلاب و نیز در طی یازده سال پس از پیروزی انقلاب حتی تا آخرین دم حیاتش بر می‌آید این نکته محوری بوده که هر جا امام آمادگی پذیرش را پیرامون موضوعی در مردم و یاران خویش می‌یافت گامهای بزرگتر و مؤثرتری در شناساندن و روشن نمودن ابعاد مختلف آن موضوع برمی‌داشتند و به عکس هرگاه که احساس می‌کردند پیروان ایشان تاب تحمل درک و عمل به مرحله‌ای از مراحل شناخت پیرامون موضوعی را نداشته‌اند

و احتمال هلاکت فکری، معنوی و... آن پیروان و یاران را می‌داده‌اند، همچون تمامی اولیای عظیم‌الشان الهی با ائت خویش «مرافقت» نموده و صبرپیشه کرده‌اند و «سکوت را بهترین طریقه»^۱ دانسته‌اند. تا حدی که حتی تفسیر نورانی قرآن کریم از لسانش را که با صورت الحمد آغاز گردیده بود به خاطر مرافقت با دوستان نادان ناتمام گذاشت و تا جایی که جام زهر قبول قطعنامه را در جنگ سرکشیده در مقابل زخمهایی که از پاره‌ای سخنان و اعمال برخی دوستان نادان دیگر بر قلب و جگرش وارد می‌آمد تا واپسین لحظات زندگی دنیایی نه تنها لب به اعتراض نگشود که خود را نیز سپربلای آن اقوال و افعال نمود بگونه‌ای که در یکی از آخرین پیامهایش چنین فرمود:

«من در اینجا از صادران و پدران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا و جانبازان به خاطر تحلیلهای غلط این روزها رسماً معذرت می‌خواهم»^۲.

به عبارت دیگر آن قبیل مقولاتی که امام صرفاً به ذکر کلیات بسنده نموده‌اند بدلیل فضایی است که در جامعه وجود داشته و امام آن را مراعات می‌کردند. (البته منظور آن دسته از موضوعاتی است که از امام به عنوان احیا کننده اسلام ناب انتظار ارائه طریق بوده است). و اما علیرغم میل و خواست تمامی آنها، بیکه به هر دلیلی نمی‌خواستند علم و عرفان و سیاست و فرهنگ امام و در یک کلمه خط امام برای این نسل و نسلهای آینده تشریح گردد و به انحاء گوناگون سعی در بی‌پاسخ نشان دادن «سلوئی قبل ان تقفونی»^۳ های خمینی کبیر (س) را داشتند، امام با آن دید الهی خود (که: بنظر بنور الله بود) عاشقانش را اینگونه مورد خطاب قرار داد:

«من بین خودم و شما فاصله‌ای نمی‌بینم و

سخن دل شما و همه عاشقان انقلاب اسلامی را پیش از اینکه به کاغذ و قلم کشیده شود درک می‌نمایم»^۱.

و با بجای گذاشتن رهنمودها، اوامر و نواهی کلی و جزئی در زمینه‌های مختلف، امکان شناخت صراط مستقیم الهی و عمل به تکالیف و وظایفی که یک مسلمان در عصر حاضر موظف به انجام آن می‌باشد را برای همه دوستانان طریق حق و منتظران واقعی بقیه الله الاعظم - روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء - فراهم ساخت. بگذریم.

راقم این سطور ضمن آنکه مدعی قابل اجرا بودن رهنمودهای امام در تمامی زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی می‌باشد، لازم می‌داند به تناسب موضوع ادعای مذکور را در زمینه سیاست خارجی در همه سطوح آن یعنی از کلیات که در شماره‌های پیشین بدان پرداخته شد (شامل سیاستهای کلی، دکترین امنیت اسلامی، چگونگی برخورد با جهان کنونی از موضع یک فرد و با کشور مسلمان و...)، تا به ظاهر ریزترین و جزئی‌ترین امور در این رابطه که وضعیت سفارتخانه‌ها (و شکل و به اصطلاح دکوراسیون سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در کشورهای مختلف) می‌باشد، با استدلال ذکر نماید. مستندات تماماً از جملات امام بدون هیچگونه دخل و تصرف خواهد آمد. این جملات را از این زاویه نگاه کنیم که این رهنمودهای مشخص امام در زمینه وضع سفارتخانه‌ها، مربوط به دولت و کشوری است که در تمامی عرصه‌ها مصمم به پیاده کردن اسلام ناب و خط امام در ساختار حکومت خویش می‌باشند و بس.

ضمناً از دریچه دیگری نیز این رهنمودها قابل رؤیت و تأمل است و آن اینکه آیا این سخنان، به صورت دستورالعمل مشخص برای کارگزاران سیاست خارجی کشور در آمده

است یا اینکه با شعار ادامه راه امام، عرف دیپلماسی حاکم بر جهان، سفارتخانه‌های ما را نیز در بر گرفته است؟ اگر چه این سؤالی است که مجریان محترم سیاست خارجی باید پاسخگوی آن باشند لیکن مع‌الاف برخی شواهد حاکی از حاکمیت داشتن عرف دیپلماسی حاکم جهان بر روش و منش بعضی کارگزاران و سفارتخانه‌های ما در دنیا است. البته امید است دست اندرکاران وزارت امور خارجه با این انتقاد مختصر و برادرانه برخوردی منطقی و برادرانه داشته باشد و قبل از هر کاری تذکر این جمله امام خطاب به وزیر امور خارجه مناسب است که فرمودند:

«شما و دوستانمان در وزارت امور خارجه باید تحمل انتقاد را، چه حق و چه ناحق، داشته باشیم»^۲.

بهر حال، می‌رویم به سراغ رهنمودهای گهربار امام خمینی (س) در مورد سفارتخانه‌ها و اصلاح وضعیت آنها.

«سفارتخانه‌هایشان را، اداراتان که در آنجا دارید، همه را اسلامی کنید، آن جهات غربی‌اش را اصلاح کنید. هر چه جهت اسلامی‌اش بکنید آنها بیشتر از شما حساب می‌برند، هر چه طرف غرب بروید، آنها از شما بهره می‌برند، شما این مطلب را که با آن از یک مملکت اسلامی رفته‌اید، با یک حال اسلامی رفته‌اید و مسائل را اسلامی می‌خواهید حل بکنید، این مطلب را در همه جا که هستید در نظر داشته باشید، بعد از یک چند دفعه تجربه کنید ببینید احترام بیشتر خواهد شد. وقتی دیدند شما یک ایده‌ای دارید که سر آن ایده باقی هستند و با فشاری دارید می‌کنید، آنها هم با شما چیز می‌شوند، اگر شما یک قدم کنار بروید، یک قدم عقب بروید آنها جلوتر می‌آیند. وضع همین است، یک قدم شما عقب بروید آنها یک قدم جلوتر می‌آیند. بیشتر از شما توقع

بقیه در صفحه ۵۰

توجه انسان به خداوند داشته و به عنوان گام نخست در تقرب به خدا و حرکت به سوی کمال بهمان نسبت دوری از انحطاط گناه و رذائل اخلاقی را در پی داشته و تکرار آن حداقل پنج بار در شبانه روز اثر فراگیری را در کل زندگی روزمره می‌گذارد...

تکبیر، قرائت و ذکر و...

تکبیر و قرائت که مشتمل به حمد و سوره در رکعت اول و دوم و

تسبیحات اربعه یا سوره حمد در رکعت سوم و چهارم، و همچنین اذکار در رکوع و سجود و تشهد و سلام که واجب است به همان صورت عربی و به طور صحیح خوانده شود مستلزم آن است که هر مسلمانی در هر کجای دنیا و بهر زبانی که تکلم می‌کند و اگر چه بی سواد باشد حداقل زبان عربی که زبان قرآن و معارف اسلامی است، آشنا شده و بدین وسیله نموداری از همصدایی و همدلی امت واحده جهانی تحقق می‌یابد و بنده می‌است که در مراتب کامله مستلزم درک معانی و مفاهیم بلند و بی‌کرانه خواندنیهای نماز است، این دستاورد نیز به مرتبه‌ای کاملتر تحقق می‌یابد.

ادامه دارد

بقیه از اصلاح سفارتخانه‌ها

دارند»^۶

«اگر بنا باشد که سفارتخانه‌های ما در خارج از کشور به همان وضع طاغونی یا نزدیک به وضع طاغونی باشند، معنایش اینست که باز اسلام در سفارتخانه‌ها نرفته است. مع الأسف تا آنجا که به من در طول این مدت اطلاع دادند - که اخیراً را درست نمی‌دانم - سفارتخانه‌های ما، سفارتخانه‌های اسلامی که باید باشد نیست، چه در مکان‌ها و چه در کیفیت مستخدمینی که آنجا هستند و خصوصاً مستخدمین زن، و چه در سایر جهانی که هست، باز احساس درست نشده است که جمهوری اسلامی یعنی چه.

بعضی از سفرایی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به دربار سلاطین بزرگ آن وقت فرستاده بودند اینها وقتی وارد شدند با شمشیر خودشان آن پارچه‌ای که حریر بود زدند کنار. این، شکستن آن دماغ فرعون سلاطین آن زمان بود»^۷

«مع الأسف باید بگوئیم که از اول نهضت تا

بقیه از اهداف و استراتژی شوروی...

تلاشهای استراتژیکی را که با امنیت مرزهای جنوبی آن متعارض باشد کنترل نماید. ثالثاً خود را بعنوان تکیه‌گاه کشورهای منطقه از حیث نیازهای اقتصادی و تکنولوژیکی و امنیتی و دفاعی معرفی نموده و بی‌نیازی آنها را به غرب و امریکا بسوزاند، رابعاً از مزایای اقتصادی ارتباط با حوزه شرومنند خلیج فارس و تضمین دسترسی به نفت آن در آینده برای تأمین نیاز خود بهره‌مند

بحال، تبلیغاتمان در خارج، صفر بوده است و فقط در داخل مسائل را برای یکدیگر گفته‌ایم. می‌دانید که هر روز در خارج، دولت و ملت ایران را وحشی معرفی می‌کنند. البته آنها که بر ضد ما تبلیغات می‌کنند خود متوجهند که ما چگونه نیستیم. ولی آنها همه چیز خودشان را از دست داده‌اند، باید ما را وحشی قلمداد کنند، ولی متأسفانه برای کسانی تبلیغ می‌کنند که هیچ نمی‌دانند. ما هم که به فکر چاره نیستیم و سفارتخانه‌هایمان هم کاری انجام نداده‌اند و با وضعی که دارند کاری هم نمی‌توانند انجام

شود. خامساً زمینه‌های تدارک نیازهای استراتژیکی از قبیل تأسیس پایگاه دریائی و تحرک بیشتر ناوهای خود را برای مقابله با قدرت رقیب و زیردریائی‌های اتمی آن که شوروی را تهدید می‌کند فراهم نماید. سادساً با کسب نفوذ لازم و موقعیت برتر در منطقه و تغییر موازنه قدرت به نفع خود امکان بکارگیری سلاح نفث خلیج فارس برای اعمال فشار بر قدرتهای جهانی رقیب را بوجود آورد.

ادامه دارد

دهند»^۸

ادامه دارد

- ۱- پیام امام به روحانیون. ۶۷/۱۲/۳.
- ۲- برگرفته از پاسخ ۶۶/۱۰/۱۶ امام به نامه رئیس جمهور.
- ۳- پیام امام به روحانیون. ۶۷/۱۲/۳.
- ۴- پیام امام به مجمع بزرگ فرماندهان سپاه.
- ۵- پاسخ امام به نامه دکتر ولایتی. ۶۷/۱/۲۰.
- ۶- ۵۸/۳/۲۲.
- ۷- صحیفه نور، جلد ۱۳ - صفحه ۲۶۰.
- ۸- ۶۰/۸/۲۴.

نشانه تکبر

امام صادق علیه السلام:

«الْكِبْرُ أَنْ يَغِيصَ النَّاسَ وَسُقَّةَ الْحَقِّ».

(معانی الاخبار، ص ۲۴۲)

کبر عبارت از این است که آدمی، مردم را با دیده پستی و حقارت نگاه کند و حق را خوار و ناچیز بشمرد و آن را بر وفق واقع نبیند.